بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اوّلیّه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

جشن پیروزی کشتگان جور و زندگان عشق در عصر عاشورا

کلمات کلیدی: کربلا، عصر عاشورا، جشن پیروزی، زندگان عشق، عالم حقیقت، سر مطهّر امام حسین علیه‌السلام، سرهای مطهّر اصحاب، تشنگی، انبیاء و اولیاء، لهوف سیّدبن‌طاووس.

❀ عصر عاشورا پس از به شهادت رسیدن تمامی اصحاب و خود اباعبدالله علیه‌السلام و به آتش کشیده شدن و غارت خیمه‌ها، در عالم حقیقت، مولایمان امام حسین علیه‌السلام بلند شدند و سر مبارکشان را به بدن خود ملحق فرمودند. سپس سرهای یک‌یک اصحاب را نیز به بدن‌های آنها ملحق نمودند. (در عالم حقیقت؛ نه در عالم ظاهر) **و آنها پیرامون حضرت نشستند.** (همه‌ی اصحاب نشستند؛ همه‌ی آنها تشنه هم بودند.) **آنگاه حضرت کف یکی از دستان خود را به صورت پیاله درآورده و از انگشت دست دیگرشان آبی درون آن جاری ساختند و همه‌ی اصحاب را سیراب نمودند. آنگاه مجلسی برپا شد که پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمؤمنان و حضرت زهرا و امام مجتبی و همه‌ی انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام در آن حضور داشتند و امام حسین علیه‌السلام به شکرانه‌ی موفقیّتی که خداوند در روز عاشورا نصیب آن حضرت و اصحاب بزرگوارش نموده بود مهمانی برگزار کردند و از همه‌ی انبیاء و اولیاء پذیرایی نمودند.**[1]

---

۱. مهدی‌طیّب، مصباح‌الهدی، ص ۲۹۹، ف ۴.

صورت ظاهر، پیکرهای غرق به خون و قطعه قطعه شده سه شبانه‌روز در دشت تفتیده‌ی کربلا افتاده بود؛ زیر آفتاب داغ و بادهای تند صحرای کربلا افتاده بود؛ امّا در عالم حقیقت این‌طور نبود. می‌دانید که ائمّه علیهم‌السلام در حدیث معرفت به نورانیّت فرمودند: کشتگان ما کشته نشده‌اند و کسانی که از ما مرده-اند، نمرده‌اند. اِنَّ مَیِّتَنا لَمْ یَمُتْ![2] لذا در عالم حقیقت کدام مرگ؟! کدام شکست؟! صورت ظاهر، لشکریان عمرسعد گمان می‌کردند که اباعبدالله علیه‌السلام و اصحابشان را شکست داده‌اند؛ امّا کدام شکست؟ مگر ولیّ خدا شکست می‌خورد؟! آنها پیروز همیشه‌ی تاریخ هستند؛ لذا در عالم حقیقت جشن گرفتند. ولذا آن بزرگانی هم که اهل آشنایی با عالم حقیقتند، مردّد مانده‌اند که اصلاً عاشورا باید جشن گرفت یا سوگواری کرد؟! در ادامه‌ی شرح مصباح، جمله‌ای را از لهوف سیّدبن‌طاووس خواهیم خواند که ایشان همین نکته را اشاره کرده است.[3]

صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ[4]

---

۲. علوی، مناقب، ص ۷۴؛ یزدی‌حائری، الزام‌النّاصب، ج ۱، ص ۳۹ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۶.

۳. مهدی‌طیّب، مصباح‌الهدی، ص ۳۱۰.

۴. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل‌الشّیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.